

آشنایی با
آرموت و تکیه
شهرستان طالقان

گردآوری و تالیف

محمد محبی

سرشناسه

- محبی، محمد، ۱۳۴۷ -

عنوان و نام پدیدآور : آشنایی با آرموت و تکیه، شهرستان طالقان / گردآوری و تالیف محمد محبی

مشخصات نشر : تهران: آوا مکن، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری : ۳۸۵ ص. : مصور (بخشی رنگی)، جدول (بخشی رنگی)، نمودار.

شابک : 978-600-6848-40-2

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : کتابخانه.

موضوع : آرموت و تکیه (روستا)

موضوع : Armut, va Tekyeh (Iran) :

رده بندی کنگر : DSR ۲۰۷۱ / ۸ م ۳ ۱۳۹۶.

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۱۲۵۵

شماره کتابشناسی ملی : ۴۲۸۰۰۶



موسسه نشر

آشنایی با آرموت و تکیه، شهرستان طالقان

تالیف و گردآوری: محمد محبی

ویرایش: لیلا محبی

شمارگان: ۱۵۰۰ * قیمت ۴۵۰۰۰ تومان

چاپ اول: ۱۳۹۶ * چاپ و صحافی: فرشپوه

ISBN: 978-600-6848-40-2 * شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۴۸-۴۰-۲

کلیه حقوق نویسنده اثر محفوظ است

لنشن و ایمیل ناشر: avamatin@yahoo.com ۶۶۶۶۶۶

شماره تماس با عولف: ۰۹۰۱۶۶۸۹۳۶۳

فهرست

۹.....	مقدمه
۱۰.....	پیش‌گفتار

فصل اول : اطلاعات عمومی

۱۴.....	آیات و روایات
۱۷.....	خطبه‌های امام علی (ع)
۲۵.....	شرح مختصری از شهرستان طالقان
۲۹.....	روستای ارشد و تکیه
۳۴.....	نحوه نگارش
۳۶.....	مفاخر روستا
۴۱.....	جریان زندگی در روستا
۴۵.....	روابط با شهرهای شمالی
۴۶.....	آموزش در روستا
۵۰.....	آمار و اطلاعات روستا

فصل دوم : ریشه‌ها و شاخه‌های سادات جزدیره‌ای

۵۶.....	میر طاهر و میر مطهر (اجداد کربلایی میر معصوم و میر بابا)
۸۷.....	میر عابدین
۱۰۰.....	سید هدایت‌اله (فرزند میر یحیی)
۱۰۵.....	سید آقا
۱۱۲.....	میر غیاث
۱۱۴.....	کربلایی سید محمد
۱۱۷.....	سید علی

فصل سوم : ریشه‌ها و شاخه‌های سادات میران

۱۲۲.....	سید رضا میران
۱۳۵.....	میر صفی‌اله میران
۱۵۷.....	سید جواد میران

میر باقر میران ۱۶۳

میر علی محمد میران ۱۶۸

فصل چهارم: ریشه‌ها و شاخه‌های طوایف محبی

پدر کربلایی محمد آقا و ۱۷۳

ابوطالب (فرزند میرزا علی اکبر یزدی) ۱۷۸

حاج مهر علی (فرزند حاج علی نوه لطفعلی خان) ۱۸۱

بابا ۱۸۵

غلامرضا جید تلینکی ۱۹۰

ابوطالب (پدر ملامح رحیم) ۱۹۲

صفرقلی ۲۰۱

حبیب‌اله ۲۰۲

استاد رحیم کاشی ساز اشتهدی ۲۰۷

میرطالب قاسمی آردکانی ۲۱۰

حسن شیخان ۲۱۵

شیخ سلیم دیزانی ۲۱۸

آقا داش ۲۲۱

فصل پنجم: ریشه‌ها و شاخه‌های شیخان

لطف علی خان نامی ۲۲۷

احمد ۲۴۷

استادعلی (علی جان) ۲۵۰

فصل ششم: ریشه‌ها و شاخه‌های شیخان

بختیار شیخان ۲۵۵

شیخان (پدر ابراهیم و محمد علی) ۲۵۹

استاد حیدر ۲۶۴

محمد حسین ۲۶۶

دین محمد ۲۷۰

۲۷۲	 حسن
	فصل هفتم : ریشه‌ها و شاخه‌های دهقان
۲۷۵	 ملا بابا تکیه ای
	فصل هشتم : ریشه‌ها و شاخه‌های سیدان
۲۸۱	 سید عبدالله سیدان
۲۸۳	 پدر سید نوراله و سید جعفر و
	فصل نهم : ریشه‌های مرتبط
۲۸۹	 رضاخان (از ذیلید)
۳۰۱	 متفرقه‌ها
	فصل دهم : سایر اطلاعات روستا
۳۲۴	 تحصیلات اهالی
۳۲۶	 جدول مشاغل
۳۲۷	 نوبت آبیاری
۳۲۹	 اسامی مراتع روستا
۳۳۰	 اسامی گیاهان منطقه
	فصل یازدهم : مستندات و منابع
۳۳۳	 نمونه اشعار
۳۴۳	 آمار متوفیات روستا
۳۵۴	 عکس‌ها و مستندات
۳۸۵	 منابع

در یکی از روزهای تعطیلات نوروزی سال ۱۳۸۷ ایده‌ای را با پدرم در میان گذاشتم که از آن استقبال کرد. این مجموعه که در پیش رو دارید حاصل حمایت‌های پدرم کربلانی صفرعلی محبی از آن ایده در تدوین ریشه‌های مردمان روستای آرموت و تکیه طالقان می‌باشد. در ابتدای شروع نگارش، کار به سادگی پیش می‌رفت اما بتدریج دشواری‌ها نمایان شد. این دشواری آن چنان بود که سالیان متمادی را صرف پرس و جو از افراد مورد اطمینان، همراه با مرور و تصحیح مکرر یادداشت‌ها نموده است. بارها شده که با خود اندیشیده‌ام که ای کاش این ایده حداقل در ده گذشته مطرح می‌شد زیرا گذشتگان که می‌توانستند سرمایه اصلی در تدوین این تحقیق باشند به رحمت الهی واصل شده‌اند و متأسفانه نوشته‌ای که ریشه‌های مردمان روستا را حکایت زوده‌بالد موجود نیست و یا در جستجوها بدست نیامد. دامنه این تحقیق به دلیل روابط خانوادگی و اقربا و ایل و تیره و روستای آرموت و تکیه بوده و به برخی از آنها اشاره شده است مانند روستاهای زهران، نلید، آردکان، زیدشت، کماکان، آرتون، کش، کشرو، سنگیان، لهران، مورچان، امیرنان، رشاد، سهراب، مرجان، حسنجون، فشندک، گلینک، کولج، بزج، ناریان، کرکبود، صمغ‌آباد، آقچری، الموت، ...

بر خود واجب می‌دانم از کلیه عزیزانی که در گردآوری این مجموعه صمیمانه همکاری و مساعدت نمودند تشکر و قدردانی نمایم از جمله: کربلانی صفرعلی محبی، اختر رضاخانی، لیلا محبی، فاطمه محبی، حمیده محبی، زهرا طیبی، حسین پورمحمدی، حاج سید نصراله میران، مرحوم حاج سید آقا میران، حاج سید عینعلی میران، الیاس حاجیان، حاج سید یونس جزدراهی، کربلانی فتح‌اله محبی، حاجیه خانم سیده رقیه میران، حاجیه خاتم زهرا محبی، علی‌آقا دهقان، حاج سید نقی میران، سید ابوالقاسم حسینی، سید رحمت جزدراهی، مسعود دشت‌دار، خانم سهیلا فیاض، علیرضا سعدی‌پور، سید روح‌اله میران، سید مجید میران، سیده زهرا جزدراهی، خیری محبی، سرهنگ ولی‌اله میران، پروین دراج، خانم بالا گرشاسبی، حشمت طیبی، محمد روحی‌زاده، محمدحسین آقاریعی، فاطمه شجاعی، رویا امینی، سیده اشرف طباطبائی، مختار

قربانیان و ...

تهران اسفند ماه ۱۳۹۵

پیش گفتار

یکی از موضوعات اساسی که همواره توجه انسان را به خود مشغول می‌سازد پرداختن به گذشته خود و اندیشه برای آیندگان می‌باشد. انسان دائم بین گذشته و آینده در رفت و آمد ذهنی است. در ابتدا به نظر می‌رسد که پرداختن به آینده مهم‌تر از تفکر در باره گذشته باشد به این دلیل که گذشته را نمی‌توان تغییر داد اما در مورد آینده می‌توان برنامه‌ریزی کرد و تصمیم گرفت. واقعیت این است که این گذشته است که آینده را می‌سازد. آینده نمی‌تواند جدا و منفک از گذشته باشد بلکه استمرار آن است. زمان نردبان تعالی صعود به سوی غایت کمالی سلسله بشریت است به ما در پله‌هایی از آن گام بر می‌داریم که حال و آینده‌اش به گذشته متصل و قابل تفکیک نیست. انسان تا گذشته خودش را نداند و نشناسد نمی‌تواند به آینده درست بیاندیشد. گذشته، از گذشته فرد به والدین او باشند شروع و تا گذشته تاریخی یک اجتماع، یک سرزمین، یک قوم و... را شامل می‌شود. بر عالم طبیعت که ما در آن واقع شده‌ایم رهایی از زمان و مکان میسر نیست و چون به گذشته نمی‌توانیم با گردیم گذشته را احضار می‌کنیم و چون نمی‌توانیم به آینده برویم آینده را به صورت ارمان در می‌آوریم و برای رسیدن به آن با داشتن اطلاعات گذشته برنامه‌ریزی می‌کنیم. انسانی که ایده و آرزو ندارد جماد است و انسانی که آگاهی دارد و آرمان ندارد متوقف است و زندگی او به ارضاء غرایز محدود است. انسان فاقد گذشته، انسان فاقد هویت است و همواره در رنج آن خلاء به سر می‌برد. انسان آنقدر به داشتن و شناختن گذشته‌اش احتیاج دارد که خوب یا بد آن در حاشیا اصل داشته‌اش قرار می‌گیرد. برای مثال اگر به فردی بگویند که اجداد تو در گذشته راهنم بوده‌اند برایش قابل توجه‌تر خواهد بود تا این که نداند و یا نشناسد والدینش چه کسانی بوده‌اند. اهمیت این شناخت به در بُعد فردی و چه در بُعد اجتماعی از آن جا مضاعف می‌شود که بدون شناخت گذشته، آینده تکرار تاریخ گذشته خواهد بود و در تکرار تعالی نیست بلکه افزایش هزینه و صرف زمان غیر قابل جبران است. اگر گذشته خود و تاریخ جامعه خود را شناسی زندگی فردی و اجتماعی تکراری خواهد شد. تاریخ آگاهی به حوادث تاریخی است و دایره‌ای است که مرکز آن تفکر است. کسی که تاریخ ندارد تفکر ندارد. اگر تاریخ را بشناسیم حوادث آن را درست فهمیده باشیم، وقوع و تکرار حوادث مشابه گذشته در آینده قابل پیش‌بینی و مدیریت خواهد بود. در مقیاس اجتماعی یک ملت فاقد تاریخ، فاقد هویت خواهد بود. هر حمله فیزیکی، سایبری، فرهنگی و... به شخص یا ملتی موجب بحران هویت خواهد شد. ملتی می‌تواند خود را از این بحران نجات دهد که

بتواند هویت خود را خوب شناخته باشد و آن را حفظ کند. مصداق این ادعا، حمله مغول به ایران در گذشته و ناتوانی فرهنگی در عصر جدید است که ما با تکیه به هویت اسلامی و ایرانی توانسته‌ایم بر این بحران‌ها فائق آییم. فردوسی با بهره‌گیری از تعالیم دینی و با حفظ زبان و رسوم ملی، با حماسه‌سرایی و اسطوره‌سازی، فرهنگ و اندیشه ما ایرانیان را زنده نگه داشت و موجب شد تا با امکان شناخت گذشته، روح میهن‌پرستی و شهامت در ملت ایران تداوم یافته و کشور ما در هجوم تازیان غارتگر حفظ شود. بنابراین آزادی فردی و اجتماعی در برخورداری از آگاهی است.

در اندیشه دکتر شریعتی تقلید از بیگانه مخصوص کسانی است که از سوابق تاریخی و فرهنگی خود آگاهی ندارند. اگر فردی اجدادش دارای افتخاراتی باشد و او به هر دلیل نیازمند شود، حاضر به نوکری نباشد و اگر مجبور به آن شود چون گذشته‌اش را فراموش نکرده چنان با شخصیت رفتاری می‌کند که ارباب رعایت احترام او را می‌کند و بعضاً با ترس با او رفتار می‌کند. شخصیت او حفظ می‌ماند. کسی که گذشته افتخار آمیزی نداشته باشد و یا با آن قطع رابطه کرده باشد شخصیت خود را در کنار دیگران جستجو می‌کند و به نوکری آنان افتخار می‌کند تا جایی که از ملیت و قومیتش هم آداب و فرهنگ خود ننگ دارد. چون کمبود شخصیت دارد. جامعه نیز همین‌گونه است. استعمار غرب آسان‌تر و در زمان کوتاه‌تری در کشورهای فاقد تاریخ و بر افراد فاقد هویت ملی و شخصیت پیروز می‌شود. ملت‌های شرقی اگر چه ناتوان بوده‌اند ولی هرگز تسلیم نشده‌اند زیرا می‌دانند که آن چه غرب دارد از تمدن شرق است. بر عقاید و زبان و گذشته افتخارآمیز خود ایستادگی کردند و یکس العمل نشان داده‌اند.^۱ انسان چون قوه تعقل دارد، تاریخ و فرهنگ هم دارد و آن را می‌سازد و آن را می‌فهمد. اگر فکر نبود تاریخ و فرهنگ هم نبود. تاریخ و فرهنگ بدون زمان معنی ندارد. اگر زمان نبود تاریخ و فرهنگ هم نبود. موجود بدون زمان موجود بدون مرگ است. آن چه در زمان است، زمان او را فانی می‌کند. جز روح انسانی که به ازل و ابد متصل است. جامعه بدون تاریخ و فرهنگ نداریم. حق و باطل، درست و نادرست بدون فرهنگ معنا ندارد. هیچ حیوانی به حق و باطل نمی‌اندیشد. کسی که به گذشته خود فکر نکند حال هم ندارد. اگر گذشته را بیاد نیاوریم از آن

^۱ نهضت امام خمینی (جلد سوم)، روحانی حمید، موسسه چاپ و نشر عروج، تهران، چاپ پنجم سال ۱۳۸۲

نمی‌توانیم فرا برویم و در جایی که هستیم متوقف خواهیم شد. به قول بزرگی کسی که گذشته خود را نمی‌داند و به تاریخ خود آگاه نیست و تلاش هم نمی‌کند که گذشته خود را بداند، همیشه کودک باقی می‌ماند. کسی که گذشته ندارد آینده هم ندارد. تاریخ آگاهی به تاریخ است. کسی که تاریخ ندارد تفکر ندارد. تفکر موجب تذکر می‌شود یعنی یادآوری گذشته، گذشته دور، مبداء شروع، سیر انا لله و حرکت آگاهانه به مقصد نهایی الیه راجعون. ابتدائی و اصلی‌ترین سوالات انسان در کودکی در مورد خود، گذشته خود و گذشته تاریخی و شروع حیات است. با عبور از دو کودکی، عادات و تمایلات نفسانی موجب می‌شود انسان از طرح سوالات اصلی و پاسخ به آن‌ها مانند لیکن حکمای بزرگی با بهره‌گیری از پیچیده‌ترین علوم بشری یعنی فلسفه در صدد پاسخ برآمده به این سوال و جواب تا به امروز ادامه یافته است. بشر به تسلسل از خودش می‌پرسد که: کی علت ایجاد او بوده و قبل از او که؟ به عبارتی قبل از اول و بعد از آخر چیست؟ عقل این در را باطل می‌داند اما قوه خیال در پی ادراک آن است.^۱ امام علی (ع) در این ارتباط در خطبه ۹۶ نهج البلاغه می‌فرماید: الحمد لله الاول فلا شیء قبله والاخر فلا شیء بعده والظاهر فلا شیء فوقه والباطن فلا شیء و نه^۲ گذشته و آینده تناسب نزدیکی به مرگ و حیات دارد. آموزه‌های دینی بسیاری، توجه ما را به این پدیده‌های طبیعی سوق می‌دهد که در ادامه به عنوان نمونه آیاتی از قرآن کریم در این باره اشاره می‌شود. سراسر این تحقیق با مرگ و زندگی عجین است. در سوره ملک آیه دو می‌خوانیم: *الاول الموت والحیوة لیبلوکم ایکم احسن عملا*. قرآن ما را به تفکر در باره گذشته و زندگی پس از مرگ راهنمایی می‌نماید و برای زندگی دنیوی ما نیز برنامه دارد برای مثال در آیه ۱۵۵ سوره بقره می‌خوانیم: *لیبلونکم بشی من الخوف والجوع ونقص من الاموال والنفس و الثمرات و بشر الصابرين*. در این روایت نیز از ائمه معصومین (ع) در خصوص گذشتگان، احترام به پدر و مادر، حقوق والدین و فرزندان، نحوه زندگی در دنیا و عالم پس از مرگ سخنان فراوانی گفته شده است. از جمله دو خطبه اعجاب انگیز از امام علی (ع) که با چند حدیث دیگر در ادامه خواهد آمد. در این جا به این کلام کوتاه از امام علی (ع) اکتفاء می‌شود که فرمودند: *رحم الله امرء غلیم من آین و فی آین و الی آین*. خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده و در کجاست و به کجا می‌خواهد برود.^۳

^۱ برگرفته از مجموعه سخنان استاد دکتر غلامحسین ابراهیمی دینالی

^۲ نهج البلاغه، شریف‌الرضی، محمد بن حسین، ترجمه محمد دشتی، نشر آدینه سبز ص ۱۲۶